

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامنه تفصیلی

هیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۸

شنبه ۱۹ آذر ۱۳۲۴

تک شماره ۴۰۰ ریال

دقایق سخت را با مسامحه نباید گذرانید

میگویند آقای حسین در نظر دارند شورائی از رجال کشور تشکیل دهند تا بسککه آن راه حل برای رفع مشکلات کوفی بدست آورند و موضوع قضایای آذربایجان چاره جویی نمایند. اگر چه شایسته بود این اقدام آقای حکیمی در اوایل شروع بکار دولت خود بعمل میآوردند و بهتر بود قبل از هر اقدامی در مورد ارسال یادداشت هاراج با قدر با بیان از رجال مجرب و وطن پرست کشور کمک فکری میگرفتند و با دقت و پیش بینی کامل اقدام میکردند ولی فکر تشکیل شورائی از رجال با کدام و مورد اشاد زیاد و اوضاع رو به ضیاعت گذاشته فکر بسیار نیکویی است و از آن بیخبرانه خوب گرفت مشروطی را اینکه هر چه زودتر عملی شود غیر از صورت ظاهر اختلاف وقت و صحبت و مشاجره و روح و خمد و بیگانگی و خمدت بملکت اساس آن را تشکیل دهد.

در قبال زمره هائی که این روزها در افواه است که میگویند بین وزاری کابینه اختلافی موجود است و خود این اختلافات حرای وجود آورده شایسته است در اسرع وقت وضع دولت روشن شود و افکار رجال ما باید بدون میگردند نظر خالص بدون حب و بغض موضوع این اختلافات را اگر موجود است حل کنند زیرا تا دولت خود اقدام برای کار نباشد اگر راه کار را هم بداند قادر به بیرون آن نخواهد بود.

و تنبیه اختلاف بین وزرا موجود باشد دستجات آنان اصلا مشغول کار نشکنی و نیزگی روابط و دامن زدن آتش اختلاف بود و کار وقت دولت صرف مناقشات شخصی میگردد و در این صرف در مملکت با تش غرضویات و دوا میخواست.

و خاست اوضاع کوفی بر هیچ کس پوشیده نیست و کسی را نمیتوان یافت که از این اوضاع که در نتیجه لایبمی و تمسد خودمان فراهم شده متوجه نباشد و این را تا نباشد کافی نیست باید در دفع مشکلات کوشش

کرد کوشش هم فقط بجرم و تشکیک جاس و شورا نیست بلکه اول حسن نیت حقیقی و تصمیم بکار لازم است. باید آن هائیکه امروز در این مملکت شهری بوی بوی بر سر می دارند و کسایتیکه روی وجه ملی خود مبعویت دارند امروز در مشق شوند تا دیگران و آتمانی را که در دریای ناامیدی و یاس غوطه ورنه تکالی داد نیروئی ملی و قابل توجه بوجود آورند.

این مردان که رجال ما را تشکیل میدهند باید در این موقع باریک از خود گذشت نشان دهند خود خدو خوی. محافظت کمال - شوق تمام - کتاره گیری و امالی آن را کنار گذاشته میدانند که گرسندت به بندند.

امروز که هر کسی شغلی قبول میکند اول برای استفاده خود است و انجا بوظیفه و خدمت بملکت و ملت در دوره دوم است اگر کسانی بمانند شوند که نشان دهند کاروی که بعهده میگیرند اول برای مصالح مملکتی است و میتوانند برای مصالح مملکتی حتی از کار یا شغل یا منافع سر منتظر نمانند و کسانی را که شایسته تر هستند با آن کارها انتخاب کنند باطل نشان میتوان گفت او این سنگ بنای اصلاحات گذارده شده و میتوان اطمینان داشت که مردم با نهایت جدیت و از خود گذشتگی از آن پشتیبانی خواهند کرد و علاوه بر اینکه مقام و قدم مرتبتر از چینه در جامه خواهند داشت و مومرتین خدمت را انجام داده اند.

مثلا اگر آقای حکیمی بداند که کابینه ایشان کاری نمیتوان انجام دهد و قبل از آن که سرودای مردم بلنه شود خودشان این موضوع را اعلام دارند و کنار برون بر شغلیت ایشان از خود خواهد شد. یا آقای قوام السلطنه که امروز هوأ خوانان بسیاری دارند و صد بیاد میمنتقدد که ز دامداری ایشان ممکن است موجب حل بسیاری از مشکلات باشد تمسیر و ادان که ممکن است وجود ایشان چه بطور رسمی در کابینه حکیمی لازم باشد و چه

بطور مشاوره امنائی هائی نبایند آن حب مقابله دعوی بزرگی را کنار گذاشته و آتمند و کسک کردند و مشکلی را از پیش برداشتن قطع امید بویتر خواهند شد زیرا منت جوانرودی و فدائیان هم سایر صفات ایشان اشانه خواهد شد.

و با آقای موشن الملک اگر در این روز های سه یعنی آمدند در این شورا شرکت کردند و نظری هائی خود را اعلام داشتند و با کمال جدیت اجرائی تصیبات متعده را از دولت خواستند و اگر مسامرتی هم به خارج از مملکت لازم باشد قبول نمایند که کردند قطعاً پیش از آنچه فلاحه مستند مورد علاقه و اطمینان مردم قرار خواهد گرفت.

صحیح نیست اینکه میگویند نمی شود کار کرد نیکوارانه کار بویتر هر شغلی خوشنامی اگر مسئولیتی قبول کرد پس از آنکه مدتی منتقض خواهد شد و با بافتضامی حیثیت خود را از دست خواهد داد.

کدام شخصی آمد کاری در دست گرفت و خوب هم کار کرد و منتقض شد آنکس که میآید و با بدنامی میروی برای اوست که با دزدی میکند. یا حیثیت بکارت با از روی لجاجت کارهای غلط میکند و وقتی تذکر صحیح هم میدهند روی خود خواهی نه تنها عملی فلط خود را اصلاح نمیکند بلکه آنرا خراب تر میکنند. بنابراین اگر شخصی مورد انتقاد قرار گیرد و با احوال او در مسامحت روز نامه ها منکس شود مفسر خود اوست و منتقض کننده اعمال اوست. اگر وزیر آمد و در روزهای اول وزارتش فلان زردبک خود را که صلاحیت ندارد بکاری گذاشت البته باید موه نظر او و تمییز و خرا بیخوشی را گفت و نه کرد اما اگر آن وزیر تلاش بر این دارد که شایسته ای داشت و بکاری که متناصب و خود را اطلاعات اوست گذاشت جای ایراد نیست و هر قدر هم مترشین بخواهند این موضوع را بداهه حله وهو و چشمال قرار دهند که چو کترین لطمه ای بحیثیت یا شخصیت او وارد نخواهد آمد.

حال فرض میکنیم صدای مفرض هم باشند و بی چه باین و آن بیرته و در صد بد نام کردن اشخاص خوشنام یا شایسته برای این که میدان هیئت بدست بشا کران باشد در چنین حالی هم باید موصفت را در نظر گرفت.

در موقتی که هر وجه بعد اعلی در مملکت حکمفرما باشد در موقتی که کشور از هر طرف مورد تهدید است و در موقتی که آینه ما دچار خطر اضطرالی و ایوبوست آیا در چنین وقتی باید بی بداشت از اینکه تلافی بدگویی خواهد کرد و با ناسزا خواهد گفت؟ آیا بشرط انجام کسبگشتی کامل، قبول چند نفس و ناسزا بهتر است یا بتولوی کردن از میان رفتن ملت و مملکت؟ آیا در چنین وضعیتی گوشه گیری و در خانه نشستن حفظ حیثیت را خواهد کرد یا در میدان وارد شدن و با خاتمان مبارزه کردن؟ امروز در چنین منزوی شده میدان میدان بدست منافقان افتاده اوضاع خراب امروز مملکت ما نتیجه اعمال آن هاست و هر قدر این میدان بدون معاضد در دست آنها باشد خطر بزرگتر خواهد بود. قیه در مملکت

اوضاع آذربایجان

آبای بیات پس از ورود پتروز و مطالعات چندروزه پایتاهی صادر نموده اعلام داشته که برای شروع اصلاحات حاضرند با بنیادین اجراء و عموم ملبات وارد مذاکره شده و بوجه اختیار اینکه درانه برای اجراء اصلاحات هموی و رفع نگرانیها و اضطراب با نهایت صمیمت خدمتگزاری نایبند چون اشخاص مفیده جو در مقام ستاده از موقوف آینه مدست مملکت مصافح اشتغالات دستور الله برای حفظ انضامات هموی زده اند لازم با موری دادند

ولی بفرار اطلاعات واصله نایبند حزب دمکرات برای مذاکره با آبی استناد حاضر شده اند

از جهه وقایع تاسف آورنده کشته نعل رویای شهربانی - دارائی دادگاه و یکصد یاز پرسی و دوفتن مالک در مرند بوده و بیست و نهمی معل نیز مجروح گردیده است

در سراب ستل ستوان یکم شهبای و تران یکم نامی و عمای زاد نام بود که از طرف حزب دمکرات دستگیر و مسلل بسته شده اند

اردبیل - زاندارم های اطراف اردبیل خود را به پادگان آتیا رسانیده اطراف سراب از سنگر بندی شده اند

تیر نیز سدریس شهربانی در خیابان یوسله ملجا بکشته شده

شرایف لشکرهای تانی که در رده ازاره های جنگی بکار میروند در دست مردم دیده شده است

هوا پاك سدرش بی آبان ماستور داده شده که جیراغهای شهر خاموش شود و از ساعت دهم بی سی غیر مورمور ندارد

در همان ساعت ۲۴ هفت دستکاه کامیون سلوا از اسلحه شهر وارد فرمان

عبدتسیم گردید - بروسای کراد ایالات شفا از طرف بعضی مقامات مستور داده شده که هر کدام نفر نایبند برای اخذ دستور و مذاکره بفرستند آنها بیکه خودداری کرده بودند و نایبند نفرستادند مورد مواظبه قرار گرفته و حتی نایبند به نام آنها انتهاب و بئعل از مقام است

اهسر سفتیش شبانه و روزانه منزل متفذن محل ادامه دارد

انحلال اداره پاربری بوجه ابلاغ وزارت دارائی اداره پاربری متحل و امور فروش کامیونهای دولتی تصدیق حساب هاونامرت در تاسم شاسی هازیر نظریه ت تصفیه مورافضادی قرار گرفت

رئیس اداره تبلیغات آتای ابوالاسم کمالزاده ریاست اداره تبلیغات منصوب شده اند

حرکت شوروی آتای دکتر علی اکبر سیاسی رئیس دانشگاه تهران و آتای دکتر کاشوروز و آتای صادق هدایت که برای شرکت در هفتین سال نایبند دانشگاه آتای وسطی خاور میانه تاشکند دعوت شده و در تشریح کردند

نوام شدن اداره های اقتصادی و دارائی

در هفته گذشته وزارت دارائی برای نوام شدن سازمان اقتصادی با اداره دارائی شورستان سازمان آنها اقدام نموده دستورات مقتضی بوسیله از قاط آتور صادر شده است احکام روسای دارائی و اقتصادی هم صادر گردید که احکامات اقتصادی را تحول گرفته ضمیمه دارائی نایبند

تغییرات در شهر داری آتای در بیان سه ای از کارمندان حساس شهرداری و از کاروان خود منقل عده ای را تشریح خدمت و بخدمت عده دیگر غایب دادند آتایان شهنواز و بیشتی شهرداری منتقل گردیدند

اخبار سنج

۱- روز ۲۴/۹/۱۰ جشن افتتاح - دانشسرای دختران در سنج با شکوه تا حدی موجب امیدواری برد ولی عده ای از ملازمان متفقند که اگر اصلاحی در وضع مملکت و مدیران دبیرستانها شود بسیار مفید است

ذریا بفرار معلوم تعداد دبیران - دبیرستان سنج کانی نیست شاید چند نفری از کسانیکه ملا بفرسید دبیرستان ها مشغولند چندان صلاحیت علمی نداشته باشد

توجه اداره فرهنگ کردستان و وزارت فرهنگ باین قابل توجه جلب میگردد ۲- روز ۲۷/۹/۱۰ بنظور کشتایش نایبند ۳- دولی ملا اتحاد جماهیر شوروی در سنج از طرف آتای فرماندار کردستان و آتای کسول جمعی شوروی متین گرفتار شده و در دبیرستان شامبور در آمدند با باطنهای آتایان فرماندار و کسول افتتاح یافت

۳- آتایان حین یک روزی عبداله بیگ قلمی - محمود بیگ کر آتای با اخذ تاسم بیعل های خود دعوت نمودند

۴- توزیع قماش موجب عدم رضایت مردم است بطوریکه بصد زبانی قماش رسیده است

اخبار سقر

۱- آتایان سقر چندیت تقویت شده و سرهنگ بیاده دربار مختاری برهنه می بادگان منصوب شده اند

۲- وضع غله سقر از هنگام ورود رئیس غله جدید دو سه بود کدناست

۳- زارمین و فروشندگان تونون از لحاظ عدم درزیات بهاء آن ناراضی و نگراند مامور هم که برای آوردن پول پسران هفت و ده بودند آنه نتیجه مراجعت نموده است

۴- شهرداری سقر نظافت شهر قدری جدیت بفرخ داده است

القاب آسان

از آتایانیکه عده ای از خواسته کسانیکه تقاضای ارسال کتاب القاب آسان نموده اند تعدادی از کتاب نامه بوسیله نایبندگی های نامه کوهستان ارسال گردید

ولافلانها با پرداخت بیهوده آن میتواند کتاب را در دسترس داشته باشد فعلا دسترس - سقر و بسوکن - تعداد کانی فرستاده شده است

تعمیر

بلغت تعمیر چرخاندر روزهای عمده و یکشنبه هفته آتیه بنامشبت

تصادف با ایام عزاداری روز دوشنبه آتیه روزنامه کوهستان منتشر نخواهد شد

شورای وزیران خارجه سه دولت روز ۲۴ در سه مسکو تشکیل جلسه خواهند داد منظور همین کنفرانس عبارت خواهد بود از:

۱- حل اختلافات موجوده میان سه دولت معظم

۲- تنظیم طرحی برای اینکه هر سه دولت از کشتیاب مربوطه بینهوی اتم بهره مند گردند

۳- تنظیم طرح مساعدات از طرف مدت دومه است نفت کبابی و عده هر جاب از بهای و رزبال فروخته میشود

شرط عقل این است که با باز کردن جدول های مناسب از آن سیال های خراب کننده برای آبیاری و ازدیاد محصول استفاده نموده زمین هزار آباد کنند

نگارنده در اینجا در باب آتای سنگ مزار از خود عقیده ای اظهار نخواهد کرد آینه است که نشان خواهد داد آتای کردستان خیالی بود حاکمیت ترکیه در کردستان خواهد بود که در آن مقبره بجز آب ای خواهد رفت چیزی که مصلحت است از آن تاریخ آن تنهایی روزنامه ملیت مرده باشد آتای ارات رفتن نموده بود در نقاط دیگر کردستان ترکیه چند مرتبه تکالیف بخود داده اظهار حیات کرده است

وقایع آزارات بابان یافت ولی در همه جا کوشش میشد باشتعار پرداخته شود و خلاصه ای از آنچه در این گوه تاریخی گفته بود بنظر خوانندگان برسد

اینکه خودنگارن معظم تاسمی بقداکاری های اکراد بساری بدست آوردن آزادی خود در طی جنگهای آزارات واقف شده اند تاسمه میخوانم با احترام شهادت راه آزادی کرده که برای استعلاص ملت خود خاز شاز خون و از فدای جان عزیز خود دریغ ننموده بویصیات جوادانی نایل شده اند در بیگانه ارواح آن بزرگواران با نهایت احترام و تعظیم می فرود آردود باز مانده گان این ملت میخور و غذا کار را دود و شامیت بفرستیم

وقایع آزارات

۴۴. ملت رشید کرد این سیاست جنجوری ترکیه را از اول دیک نوده بود که نوری و بشدگی را توانسته بود بخود هموار نموده و برای حفظ شرافت ملی خود آوردن آزادی خود هزارها قربانی داده امروز هم در بیگانه محکمه عدالت آزارت بخواهان حتی که بانگن های شهیدی آزادی خود نوشته شده بدست مدافین حقوق خود سیرده است

روزنامه ملیت این موقیبت را که دولت ترکیه در سایه کک و مساعدت دولت شاهشاهی ایران پس از چند سال خون ریزی توانسته بود بدست آورد آخرین جنبش های کرد برای استرداد حقوق منسوبه ملی خود تصور نموده کوشش کرد که در نهایتش دوروی نعل آگری بزرگ و کوچک قرار گرفته کشته و سوزنی است این مزار نوشته گردستان خیالی در اینجا مدفون است غافل از اینکه فکر آزادی مانده پلاسلاب است که از روحهای بیزار و زجر کشیده سرچشمه گرفته بندهالی که در جوش ساخته مشود هر قدر هم محکم باشد عاقبت بافتار زیادی که از تراکم آب حاصل می شود رخنه هالی یافته بگسرتیه منهدم شده شرابی های جبران ناپذیری را فراهم خواهد ساخت

بنام آقای مسلمان یونس لیسانه بنام

کرمانشاه متروک

۱۱-

قصر شیرین

۹-



در زمان پیشین حکم شهرستان های سرحدی را مرزبان مینامیدند و به مرزبان های مهم تحت تیره و به مرزبان های حدود خورده تحت مطلقا میداند. از اینرو معلوم میشود که در زمان باستان بولایات سرحدی اهمیت خاصی می دادند.

شهرستان قصر شیرین اگر چه در شهرستان های مهم مرزی است ولی مالز اولیای دولت برای آن تحت تیره باطلا ترقع ندارد زیرا که شخصی این روزها از اینگونه مطالب بگوید مرتجع می خوانند.

ولی دولت آقای سبکی متوسم که بجای تیره و تحت مطلقا که مسوخ شده در قسمت فرهنگ و بهداشت و بهبودی وضع اقتصادی و تجاری این شهرستان توجه خاصی فرمایند نه مانند نرات گذشته که از نژاد شکر و قاشم مردمان این امیه را محروم کنند و بجای آن در سای خانی اقتصادی به نفع مردم باطله دوازده هزار کوبین بدهند و بدین ترتیب بیش از بیست هزار نفر را در مشیقه بگذارند.

قصر شیرین تا بهر آن ۷۳۹ و تا باقیافت مران عرب که شاعر در وصف آن میگوید: ننداد خوش است لیکن از بهر کسی سکورا بر ساد دل بود دست و می باغم نفسی بس؛ رد سر هریز طایع کند کرد از جوانی نفسی در خود ۶۶۰ کیلومتر فاصله دارد و فواصل از قصر شیرین تا تهران نیز مطابق جدول زیر است:

۱- قصر شیرین به سرپل ذهاب - ۳۶ کیلومتر
۲- سرپل ذهاب به کرد - ۸۰ کیلومتر
۳- کرد به شاه آباد غرب - ۳۵ کیلومتر

۴- شاه آباد غرب به کرمانشان - شاهان - ۶۰ کیلومتر
۵- کرمانشان به بیستون - ۶۰ کیلومتر

۶- بیستون به صحنه - ۳۶ کیلومتر
۷- صحنه به سنگاوار - ۴۰ کیلومتر
۸- سنگاوار به اسدآباد - ۴۰ کیلومتر

۹- اسدآباد به همدان - ۵۱ کیلومتر
۱۰- همدان به دوزن - ۸۷ کیلومتر
۱۱- دوزن به اوج - ۳۴ کیلومتر

۱۲- اوج به قزوین ۱۰۸ کیلومتر
۱۳- قزوین به هشتگرد ۶۷ کیلومتر
۱۴- هشتگرد به تهران - ۵۶ کیلومتر

قصر شیرین تا خسروی (سکه سابقا کچل کچول نام دارد داشته است) ۶۰ کیلومتر میباشد.

خسروی که یکی از فرقه قصر شیرین است و در کنار جاده شوشه بنامشده و آب و هوایش گرم است چون آخرین نقطه مرزی است اهمیت خاصی دارد؛ دارای پاجه بانک ملی؛ پست ژاندارمری - گمرک و دفاتر مبادله پستی است.

دفتر پست خسروی تکالیف دقیقی در مورد ارسال پست ها به سکه خورهای دور و دراز در دوران دفتر مرزبان و امانت پستی که بقصد گشورهای خارج است جمع آوری و مستقیما فرستاده میشود.

این دفتر طبق آمار وزارت پست و تلگراف در سال ۱۳۲۲ فقط ۱۴۲۷۷ امانت رسیده دریافت داشته است. شهرستان قصر شیرین چنانکه قبلا ذکر شد دارای دو بخش میباشد یکی سومار که ۹۶ کیلومتر و دیگری سرپل ذهاب که ۳۶ کیلومتر از آن فاصله دارد.

سرپل ذهاب سرپل ذهاب در کنار جاده شوشه بنامشده آب و هوای تا سالار و مالاریا خیز دارد.

محصولات عمده آن غلات است و فاصله آن تا قصر شیرین شش فرسنگ میباشد و رود حلوان (۲) از وسط آن میگذرد و سرپل را بدو قسمت تقسیم میکند که بوسیله پلی مهم مرزبانی و بهین مناسب اهالی آن در آن پلی بنامند.

برای سرپالی های بیچاره سکه بواسطه عدم توجه وزارت بهاری مالاریا و امراض گوناگون دیگر خون ریزی باقی نگذاشته اهالی دیگر آن منافع مثالی دارند که میگویند:

از یک نفر سرپالی برسدند کجایی هستی کنت سرپالی؛ گفتند اگر گرفت جریان آب حلوان یا جوادند دیگر سرپل را خراب کرد کجایی خواهی بود سرپالی بیچاره از دادن جواب بدمانند زیرا دید اگر واقعا پلی وجود نداشته باشد انتصاب او بجای نخواهد بود (۳) آب رود خانه حلوان بسیار سنگین و ناسازگار است (ولی پس از طی چند فرسوخ در قصر شیرین خیلی سبک و

پوشیدان و تویانه

پوشیدان گفنه اند

۱- سگ به لوقه ای صاحب مال به ارومه سگ برست صاحبش میبرد

۲- بالی شکاوه قاجی هل نه به ستن دستش شکسته پایش را کج میگیرند

۳- گروشتی نه خواگوشتاری ناخواری گوشش را میخورد آبگوشش را میخورد

۴- تی نو آروته نی نه لخدوا تشنه آب به خواب میبندد.

۵- به در بزی خوانته روانی پادانی خلقه بر روانه ۲ درازی خودت را میبندی پهنای مردم را بشکری

۶- بز بوشه وی چی که می خوری خوشش که کا بز برای شب جای خود را مہیا میکند

۷- ری بولار نه روا سگ نه زوری وهنگر میکند سگ خود میبندد

۸- تف به آسمان مه که نه کویته سهرچراوت تف باسمن میبازد روی صورتش خواهد افتاد

۹- وگ نیسک به روه پوشتی بوئی به مانند حدس پشت و رو ندارد

۱۰- آردی باش له مالی ساجیبی در نه چیت آرد خوب از خانه صاحبش خارج میشود

و گوارا میشود) این آب مولد بیشتر ناخوشیهای سرپل است در این جلازم است توجه اولیای امور را بواب ناسیم تا اقدام مجدهای از نلفات جانی و داران نفر ساکنین آن جلوگیری بعمل آید.

این بخش از دو نظر قابل اهمیت است یکی اینکه اراضی آن بسیار حاصلخیز است بطوریکه که دیده میشود که از زراعت زمین آن تمامی نعم برداشت میشود. در اینجاست که باید یادگفت لرگزین انگلیسی افتاد که میگوید: «فرمانتی مانند ایران بهیچوجه دلیل بر فقر و ضعف خاک آن ملک نیست».

ولی انصاف بواسطه عدم توجه دولت مردم از این زمین های زرخیز آنطوریکه باید و شاید استفاده نکرند و همین بلا استفاده ماندن این اراضی است که مردم این دیار را در دریای بدبختی و فلاکت غوطه ور ساخته است.

۱- بین الپهرین - شامان - لبنان - هندوستان - فلسطین - مصر اتحاد جماهیر شوروی کشورهای نزدیک محسوب میشوند.

۲- سرخسده حلوان دروزن آب در ۱۹۰۰ متری واقع شده و در موقع فرود آمدن از کوههای زاگرس در فاصله چند کیلومتر قریب ۱۲۰۰ متری فرود میآید و جلگه علی کرده را مشرب کرده و از تنگه کوه پیشان نیز میگذرد.

۳- این مثل شبیهات بندر آقای صالحی رئیس اقتصادی کرمانشاه نیست که بقدر نداشتن کالیون از حمل قند و شکر و چای به آن سامان خودداری کرده است.

اژسندج

بنام آقای عباس آزادپور

درباره ون و نان

حکمی نیست که شایخی اقتصاد و صادرات کردستان غله میباشد و این هم برای ما بیک مسئله حیاتی و صماتی است مسئله ای نیست پیش با اقاناده و بی اهمیت که بتوان از جفت در آن صرف نظر نمود زیرا اقلام فرساده های ما در دنیای میزان و اروپا غله قرار میگیرد. همین فلک مالک از موضوع در کردستان غله و مفاصل ملکی است .

همین توجه کردستان و نان تابع تغییرات اقتصادی دولت بوده است که اینک از ۱۳۱۴ بود اداره ای بنام تثبیت نرخ غله شروع بکار نمود.

این اداره که بیهای هرتن گندم - ۳۰۰ ریال مزاده را جمع آوری میکرد روشی داشت که در آن تلف چندان رسوخ و یکد چپالی رسید که مثلا در سال ۱۳۱۹ و کرد فرمانده لنگه وقت مالکین را در اداره امنیه توفیق میکردند حتی بر - ییش از مالکین بقدری مزاد حاصل میکردند که ناچار میبایست برای تأمین آن - نفوسی دیگر خریده تحویل ده.

در سال ۱۳۲۱ احزاب دولت پیشی شده بود قیمت خرید را از ۱۰۰۰ ریال به ۳۰۰ تومان یعنی ۳۰٪ کاهش دادند و بقدری بقدری شده بود که حتی مالکین وتولید کنندگان میبایست با انواع وسائل مثبتی خودتأمین نامدمازاجه بگردند مقدار مصرف شناخواه خود را بشهر بیآورند.

خوب بگذارم دارم که در قریه رمضان سال ۱۳۱۹ بود یکی از مالکین برای سرطرفه چند خانه مراجه کرد و چون تهیه گندم مایوس شد با دادن سبزی چپای گندم مرسوم منعی خود را اداء نمود.

سنگگیری های جاهله یا پارماورین که بیشتر برای جلب استفاده خود از - دستوروات مرکزین با هم میگرددند ناراضی های عمومی و کبیای از قوه را موجب شده بود بطوریکه کلاً از ۶ کیلو مزاد هم صرف نظر نیکردند و برای چند سبزی که تسکیر کننده منتهه بر بزندان شهربانی اعزام میداشتند.

خوب بود در قیال اینهمه سخت گیری اقلا ادارات دستور دهنده بفکسر روز مبادی زارع و مالک هم میبودند و وسایلی منتهی بحدی که در از دیدن و تکثیر محصولتورومید و اتم بیفکسلی منافع با بدگفت که در کارهای ملکنی ما ایتقم پیش بینی ها و اعمال ابعثی ها مرسوم و مسود نیست .

کار ماورین غله بیکارن رسیده بود که دستورات اخیر برای بدست آوردن

ثنای دوران اداره حاس که با میبیت مردم بازی میکردند و اطلبان سرودست میشکند زیرا در قیال مدتی اشخاص تمین آتیه کرده بار خود را خوب میبندند. میداده بود و شکر با یکدم راده بگری برای استفاده باز کرده بود گندم روزی روز گران تر میشد دستنور نیز بهمان - میزان امانه میگفت برتری و خودانی تزل کرد میداره هم از میزان رفت ولی در دستنور تیزی حاصل شد .

تیجه این عمل را باید در اثرات آن در زنده گی مالت و زراع چشبو کرد که آبا یا امدام دولت شتوبنی برای آنها بود با تیبیبی .

دستور انحلال شوبات غله رسید این هم فشار دیگری بود که برای مالک و برای زارع برای همبخدمت قابل تحمل نبود چندی مردم با نهایت زحمت و سختی در اجراء این دستور و مع و خسارت دیدند و باز زحمت زیادی مضمری از مزاد تمیدی خود را با بیبودن راههای دور و بی حاصل تحویل دادند.

در قیال اکتالیکنه فراهم شده بود و تحویل مزاد را غیر مق - ضرور میبایست خوبه اداء کرد که افتاح جدیدی شده از آن رانده شود داده .

موضوع انضمام غله اسفند آباد به همان بنوبه بود از مشکلات ایجاد شده و بیبودن بود و این لورک که جزه لایجری شهرستان منتهج است و کلیه ادارات آن تابع شهرستان منتهج است و مسالکین و زارچین آن از هر حیث همیشه با دستنور

و کار دارند و حتی اغلب مالکین آن ساکن منتهج هستند بجه جهت و از روی چه صلحتی باید غله آن تابع همان باشد و از این

عمل بی نهایه غایب در وقت میگردد. زارچی که در چند کیلومتر مرکز این بلوک مسکن دارد و مثلا بیکار گندم در آتجا باید تحویل دهد با آشیاست است بایبودن ۲۰ فرسخ برای دریافت وجه بهمان برود.

در شهریکه نه بآن آغزنی دارد و نه کسی دروشناسد آبا غیر از خسارت و اتلاف وقت و سرگردانی چیزی عایدش خواهد شد؟

آبا ضرور دستور مجزا کردن این بلوک از کردستان مراجه مردم این بلوک بهمان جزایرت و آزار و تولید اشکال و دلسرد کردن زارع و مالک از زراعت تیجه دیگری هم دربر داشته است؟

ما اگر این قیصه ما و این اشکالاتی را که بدون مقافله برای مردم فراهم شده و پس از تولید زحمت های زیاد بشکل اول

ده نگی گیتی نازه

مجله ده نگی گیتی نازه که از طرف اداره - مطبوعات بریتانیای کبیر دروندا منتشر میشد از این پس بطور معتنی تحت نظر آقای حسین حرلی مکررانی انتشار خواهد یافت. این مجله که صاحب امتیاز آن آقای فسانق توپین و مدیر مسئول آن آقای میخه بابان است مجله ایست که اوقی و ابرسی و اجناسی که بزبان کردی دروندا منتشر میگردد و بهیچ حربه دست و جمعیتی بستگی ندارد.

مخصوصا قسمتهای ادبی و تاریخی آن روان بخش است مکاتبات ناين مجله بنام آقای حسین حرلی مکررانی و با آدرس بغداد صندوق الیرید ۱۸۵ میباشد .

جواب حقی کو

آقای، ه سگو نامه ما نوشته و در آن اظهار داشته اند که بیم از سانسور بست سفر مانع از این باشد که نام قطاری خود را بنویسد شنا مقاله ای هم برای درج فرستاده اند که در آن عقاید خود را نسبت بیکدی از روزنامه های هنگکنگ تهران که مورد نرفت ایشان استعلام داشته نشان داده اند آن را چاپ کنیم و یک نسخه از آن تا شاعر شهید احمد خانی را هم برای درج فرستاده اند . چون نام و آدرس آقای، حنکر، نبود من تراستیم بتعمیل جواب بدهیم .

از آنجا بیک نام مقاله ارسال ای نشان از احساسات یا کی حکایت میکردند که دانستیم چند کله ای در اینجا چاپ کنیم تا ایشان مطلع گردند .

۱- سانسور بست سفر تنها بهال از طرف چند نفر از خواننده گان به ما اطلاع داده شده در صدد تحقیقات بیشتری در این موضوع و چگونگی آن هستیم انشاء الله این اشکال مرتفع خواهد شد .

۲- مقاله ارسال ما علاوه با حقیقت مطابقت داشت از قتل عمده ای نام نویسی و قاتل خودی ما هم اطلاعاتی در این مورد میداند چرا که بیکبار که برای درج خود ما را نداشت باید بر سرهم بقدری شاید روزی دادگاه ستر مزه دره از روی حقیقت امر سروراد و گناهکار و مجرم و اثمی مرئی کرد اما در باب درج مقاله ضرورتی نمی بینید زیرا خود مردم از روش و شیفتان و تفاوت بین ما بود و نظر دولت هم خوب بود آتشکاست .

۳- اشعار ارسالی در شماره ۱۴ نامه کوهستان چاپ شده در صورتیکه آدرس خود را فرودم در اوردیم سکن آن یکشماره از آن برایتان ارسال گردد .

دروارده اند. در اینجا یادآوری میکنیم فقط برای اینست که اداره کله در تصمیم هاییک میخواهد اتخاذ کند جواب کارها در نظر گرفته آنگاه دستگیری صادر کند بطوریکه وقتی دستوری صادر میشود از هر حیث علی وعلیه باشد نه اینکه تیجه ای منکوس بدهد .

در پیته اشرار بنام کوهستان جواب اداره غله و نان را درج باقدمات آن اداره در مورد گزارشهای زاروسان اعزامی کرده اند که بود تا حدی مردم را به سن نیت اریلی آن اداره متوجه ساخت ولی گویا با اقدامات فقط منصرف بله سفر بوده زیرا از موضوع ۳۶ تن و ۳۰ تن سرلصهای میبایست مکانگ و حسین آتجا و از تعقیب متخلین اثری نیست و حتی از بازرسی های آقای معصودی هم که منتهی چندین ماه مشغول بازرسی بود و با لیب شکایتی که با ایشان شده بود هنوز کوچکترین اثری نشود نیست .

مردم انتظار دارند که اداره کله غله و نان در اینبختن ها هم نتیجه تصمیمات خود را با اطلاع مردم برساند و با تعقیب متخلین و مسئولین، با کمال سرشنی را دست راست و با میروند و با دوست های خود بادامه همان علیبات متخلین یاد دیگر حسن نیت اولی آن اداره را ببردن نشان دهند .

فلا انتظار پاسخ و اقدام آن اداره کله غله از شرح و توضیح در مورد غله کردستان خودداران بوده امیدواریم هم ما طور که با نهایت حسن نیت متخلین هم سفر تعقیب شده متخلین و مسئولین کردستان هم بگیر داده شوند .

بنام آقای معتمد مردوخ (آب آف کردستان)

گردوگردستان

-۲۷-

سنة اردلان

باسلام اردلان برای دفاع جلو گیری او حرکت در محل یلوار لشکر هر دو طرف به سر رسیده ، سپاه اردلان با وجود قلت عدد در سه راه اولی سپاه امامتلی خان را شکست میدهد جمعی مقتول و جمعی منفلول و پیروی بگریز نمانده تورخانه و شیبه و خرگاه و مهمات امامتلی خان نصیب اردلان های دلاور میگردد خود امامتلی خان بلااحاطت و تلاش زباجانی از میدان دربره بفراریان ملحق میشود حسمتلی خان والی اردلان پس از تمسب غنایم - حکام کافی برای کرمانشاه و سنتر و کلیانی و گنگدو ملایر و بروجرد و آن اواس منین نموده و اعزام میداردو خود با بگدلیا انظار و میاهات به سنندژ مراجعت مینماید سپس در ۱۳ محرم (۱۱۶۳) مهرعلیخان بروجردی از تطاولات و تعدیات زندیه که قرب جواز داشته اند به حسمتلی خان شکایت نموده سپاه حسمتلی خان با سپاه اردلان بهم رس گزین و تادرب زنده به حرکت مینماید از آن طرف هم توشال کریم (کرمانزاده) و شیخ علی خان و اسکندر خان ، با سپاهی ایزده جلو آمده در ملایر هر دو سپاه بهم می رسند ناگاه جنگ در گرمی درو پس از کشش کوشش زیاد انگیز زندیه شکست فاشتی خورده (۲۶) نفر از مبارزان زندیه (۱۸۰) نفر از سپاه حسمتلی منفلول باقی فرار میکنند پس از آن پنج سن علی خان بنظر امیر شاهنشاهی و تنه او را بر لایب و بروجرد و مضائق مساط و سگکزار میباد و خود پسند در مراجعت میکند سپس در او اواخر همین حال سلیم باشا از طرف دولت ان فتیای بی حکومت با بان نموده سلیمان باشا را میفرستد او که منور گشته بود ، پانزدهند به حسلی خان بگریزد و مدتی در کردستان متوقف میشود سلیم باشا در تقیب سلیمان باشا کانی با حسن علیخان مینویسد که سلیمان باشا در تسلیم زندیه ، حسمتلی خان جواب بدهد میدانجا سلیم باشا قضیه را بویزی بپردازد (کوی) اطلاع میدهد وزیر هم نامه معصوم بگنر از افراطیم بنام حسن علیخان مینماید و در آخر نامه تذکر میدهد که اگر حسمتلی سلیمان باشا خود داری بایده رفته موت کسبینه و کار بجبال خواهد کشید حسمتلیخان وقتی بنده به نامه نکلاشت فرستاده را مایوسانه عودت میدهد و حل قضیه را حواله میدهد بیادان وزیر از این حرکت بیخود و بیفایده را بابت عالی اطلاع میدهد بر حسب امر که با پاننان عشایر اعراب و سبکی هر دو حسمتلی آقامی (حاکم مومل) و نشان باشای حکم گرمی و قوچ باشای حاکم حریر ستمنا و از سبب هزار نفر فرودمان بگنر و امداد سلیم باشا آمده و بگریزدستان حرکت میکند ، و در نزدیکی مرشد بازاری آتام حجه سلیم باشا ، فرهاد خان و پس خود را نزد حسمتلی خان میفرستد حسمتلی خان که با ده هزار سوار پیاده حاضر مانده شده ، در رسیدن فرهاد خان میبایست مشاوره و تشکیک میدهد و سیم مردوخ پس شیخ احمد لاملا و ملا مصطفی شیخ الاسلام و شیخ جمال الدین غیبی (علیچند مؤلف) و ابراهیم و کلب و نسو خان خلف احمد خان ، و چمر سلطان و سایر امرای کردستان بواسطه کثرت جمعیت سلیم باشا علاج کار در اصلاح مینماید ، ملا حسین (چمدلا عباس شیخ الاسلام) و میرداده سلطان بزاز (داماد حسمتلی خان) رای بیعت میدهند ، و اصلاح را تسک ایلست مینمایند ، که انار و لالار ، و خود حسمتلی خان هم بلا محظه پانندگی سلیمان باشا تابع اقلیت میشود و فرهاد خان را مطابق نتیجه شور و تمسب رای از اقلیت دولت میدهد سلیم باشا پس از مراجعت فرهادخان و پای از اصلاح ، باننان سن سحر کوبو ایشایان حرکت میکند ، از این طرف هم حسمتلیخان بانان محمد امین خان حرکت کرده هر دو سپاه در جنگ میران بهم می رسند ، و نازده نیک با نهایت شدت در گرمی مینویسند از شن ساعت جنگ و قتل و کشتار بیرون اردلان و از کوه شده ، سپاه کردستان شکست میورد و حسمتلیخان و پندهو مراجعت میکند ، سلیمان باشا که مسبب این نمانده بود با اسکان خود فرار مینماید مقادون رسین حسمتلیخان بسند در شهر مرشد که کهبابا اردو بجای شهر میآید .

از طبع ووردی

من چیم

کویجو

نه شیم ملام نه خانه دام
نه حاجی و سوتیور و سوارو کردم
نه غمخت چو زور دستم همه
حاشا له مانه نه که م به جاری
گوریم نه برسن زدی جی برا
لاوبکی دل سوز لاوبکی غمبارک
باو کوو باویم سگوردی نه بیژن
خوینم آوی نه و زانم هرله و
نه کاربه ده ستم نه خاونه پارم
له م که سامه کسانه بزه بوئن هموی
له م که سامه مائور نه سین
به دوس خونه نیمه پالم له وانه
بوته وان بی هوشی و رنگو ممانم
نه که رگریس له بوته وانه
دهردی هیوار و گیانی زانم
سه زانم که له زیره زانم که له زبو
دوژمنی نه در جان دوژمنی چراغ
چونکه له مانه هیچ دام نماند
هرله به بره و ستم نه خیم بوئان
دوستی کردار و آشنای خوالم
اویز زبل جی جولاور و راش
ایش که روو نو که زبانی منن
کرمانیو و مرمانی لاو خوش بوئمن
گوریم نه برسن بوئی وهایه
چونکه هرگ له لیمه دانه وود
لنار وولاتان هرته وانه
دوله نه ندان له سه دابه که
ده لایک دیو و وگرمه آله کی
ملنی ی بارزه ه زاری به رزه
گلی مردی بده وله نه نداده
که لیکبان تپیان ای نه ی جو
هزار بی بگا وولات سر ستم
که ره زاری بی توی آزادی
که ره زاری نه پام پیشواریوم
کرهه زارته پام له بویم به هیچ
نه هوشیم به سوزی به هست
منی کیهانندیکه ه زاری
بوج نه کی به ویدم نه زانم

نه خرمی آغا و به گور میانه
نه نه ویامو نه که سی زانم
نه نریک خانم نه خار و سولانم
به وان له من نه من له وانم
نه لیم رولیکسی که لی گوردانم
لاوبکی هزاره بیده ستو و شانم
داشته زو خاکی خود کوردوستانم
خاکی خود دلوو کردو و شیوانم
به شکوه هزاره و له هزارانم
بوی وک نه وان چکه و برینام
بوی باوه و نه کی ایسانم
هه ره لای وانه و له بیروانم
له تازی نه وان له تکه زمانم
به گریانم له ده ردی وانم
له به ریشانی وان به ریشانم
دوژنی مالو و ملکشوخه زمانم
دوژنی که وهی را لوعه دوژانم
دیلین بیکانه ، دیلیک که وروانم
ایش که روو نو که زبازوره زانم
خرمی چوتیاز و وهام سپانانم
برادره برای سه بان گرانم
ده سه له آلودوستی پانچ و انانم
به میروو آغا و به گیان زانم
بوجه نده سوانومه چو بیروانم
له هه بوج نه که برسی زانم
چی به هه بو به ههت نازانم
چی له بویکه م نه چی بزائم
ایش بوج نه که برسی زانم
ملنی مردی مردو باش باش نه زانم
که منی له درن من آسانم
که چی نه بیری پلار و انانم
بوی سه زار دلو و زانم
که موی آلتو ده روده شتائیم
نه م به یرو هوشی زانم
بوی سوبه ری سه و هه زانانم
بوی تادم مردم خولانی وانم

حسمتلی خان بیست بیلان برخفته
اردوی کهبابا ایشایان وارد شهر میشود
در دمعت سر زده و ز توفیر کردستان کایه
هستی دارائی اهالی را غارت و ناموس
مسخری و بودی را بیاد میدهند غالب
خاواده های مقتول و سرزنده را هم
کوچا پند میسلیان و کویجو بر میفرستند
پس از رفتن اردوی کویجو با وطن خود
حسمتلی خان شهر مراجعت نموده شروع
بتمسیرات و تجدید آبادی و خرابیهای شهر
میکند -
ابراهیم بیگ که بکرم چون دو چوبه
چک با اتباع خود بارودی سلیم باشا غنایم شده
بوده شکست اردوی کردستان را اویامت
یوده

چایانه وزارت کوردی

بمقام آقای محمد امین هوشنه نایبند نامہ کوهستان

سفر کجاست و مردم آن چگونہ اند؟

مہ مازان و موران لہ برتہ
من بیچارہ و اوربانتہ نہ ...

(بابا طاهر مہربان)

شارطہات فرسای دورہ دیکتاتوریمورامواق
ازوم نسبت بکوچکترین امر جزئی اجراء
میشود و امنیت و آسایش نقلی شهر و
اطراف آن تا اندازه قابل تقدیر است.

از لحاظ موقعیت نظامی و لشکر کشی
و امنیت داخلی کردستان در درجه اول
اهمیت است و این امر ایجاد میکند کہ
باید در عمران و آبادی از شهر و ترزیه
تلوبرجہ بدراہالی مہور آن اقدامات
خاص و اهتمام افزای شود ولی با کمال
تاسف این شهر مرزی کہ اهالی میهن پرست
آن تاکنون چندین بار بجرم دولتخواہی
در حوادث اخیر عارت کردستان ازہستی
ساقط و نابود شدہ اند روز بروز رو
برخای میبرد حاج و جگ و آسایش خواہ
ہستہمکومتورا کہ امنیت و آسایش آنها

خوانندہ محترم
سطور پایین اسما باید شرح وضعیت
جنراتیائی و طبیعی شہر مرزی دودست
را در نظر افراد ذیلہ بہ جہ جنراتیائی
کردستان و آبادی و عمران آن روشن
کنند ولی در تشریح وضعیت جنراتیائی
و طبیعی یک شهر مہم مرزی بطور باین
نظرہ مای اشک جوانی است کا از اہامہ
پرمدہ و مسکسر بر حال زار یک ملت
مردم متشددہ مرزی ، از دیدہ خون باز
فرورختہ شدہ.

نالہ مای فرود ستری حساس است
کہ در مہمات وضعیت تلاکت بارزدگاہ
عزیز خود از دل دادغوریز کمبود بری
جانب توجہ اولیای امور برصفتہ کافہ
آوردہ است.

آقای مہربان نامہ کوهستان افراد حساس
شہر (سنز) از یکتہ بی معافیہ معذمت
نامہ وزیر کوهستان ابرائی درج شکایات
و درد دلہا و انکسالی نالہ های آن ہا
بانتیجہ بنظر ظہر نظر توجہ فرمایید
امور ؛ از اعتبارشان گذارنتہ باد ، بی
اندازہ از جنابہائی مہاسگداز و شک
گذازدنہ ...

در مرکز توانم کردشن باختر
ایران؛ در دامہ دو تپہ نسبتا سرابش ،
شہری با مناظر زیبای طبیعی واقع شدہ
کہ (سنز) نام دارد کہ در حدود دوازده
ہزار نفر جمعیت نسبی شہر و نا تنگلی
میدہند.

کوههای نسبتا مرتفع «تپ ملان»
و «قلعہ ای کبود» و کوههای اطراف
«چنت درہ» و «کهریز» در شہر پر آب و
دایرہ بروگی دو آوردہ است. روضخانہ
(سنز) از دامتہ تپہ جنوبی شہر در جریان
است.

در بایم روزستان آب این رودخانہ
بیکانہ آب مشروب شہر است ولی در تابستان
آب این رودخانہ خشک میشود بجاہر آب
مشروب کالی شہر از چند ہا و ثروت
متعدد کالی رودخانہ تأمین میشود.
مناظر زیبای طبیعت در فصل بہار ،
بہرگز بسیار جالب و دلچسپ در این شہر
چاہو میوه و مناظر شہر بہرسترد فصل
بہار دست کسی از زیباترین مناظر ایران
نادود.

جریان حوادث عجیب اغیزا بر شہر
۲۰ بیہ اہالی آنجا را مردی اسفردہ
و ملول با آوردنہ تاکنون بجا کشتہ
از سنت و نظام و آزادی شہر بردارنتہ
و حتی از آزادی اسی و پوہالی کہ دو
سایر شہرهای ایران دیدہ میشود در این
شہر کوچکترین رخنہ نکرده و اکنون ہم

از کردستان

تسلیمات

با کمال تاسف در گذشت شاد روان حاج
دکتر سیم شایگان را بازہ ما ماندگان آسرموس مقصوما
آقای دکتر ابراهیم شایگان تاسف عرش مہربانیہ
از طرف اہالی درنتہ - امامتلی ہوشماہی -
از طرف اہالی شوا - فتح اٹا تائیگی - از طرف اہالی
زردہ - مرزیمیلادی

آگهی عہد وراثت

بتاریخ ۱ دہر ۱۳۲۴ - آقای حبیب اللہ نانی بوکات از
طرف آتاجان کلیبیان با ستاد یک برگ گواہی خواہی ورود نوشت
شناسنامہ داد خواست بشمارہ ۲۴۶۹۱۷۲۴ دادہ باینکہ مرحوم بوکات
کلیبیان دارندہ شناسنامہ شمارہ ۳۱۸۹ صادر از کاشان در تاریخ
۲۴۵۲۳۱ در طہران جایگاہ ہیبتگی خود وفات یافتہ آتاجان
کلیبیان کلیبیان بشناسنامہ شمارہ ۳۱۹۱ از کاشان و موسی کلیبیان
بشناسنامہ شمارہ ۳۱۷ از کاشان فرزندان ذکور و بانو صراحی
کلیبیان بشناسنامہ شمارہ ۳۱۹۴ از کاشان هیال دادسی متوفی و
بانوان نوشا فرین و ملکی جان و ایران دستران متوفی کہ در زمان
حیات پدر بخواہ شوہر رفتہ اند و دوشیزگان قمر بشناسنامہ شمارہ
۳۱۹۰ و خانم شناسنامہ شمارہ ۱۵۵ عزت بشناسنامہ شمارہ ۱۳۹
صادر از کاشان کہ هنوز شوہر اختیار نکرده اصوات منہ صہر
میشاندن پس از شنیدن گواہی گواہان کوراب ۳ نوبت متوالی باہی
یکبار دو روزنامہ رسمی کشور شانشناہی و روزنامہ کوهستان
آگہی میشود. با کسب مدرتہ سہ ماہ از تاریخ نشر اولین آگہی
و بودن متصرف بر حسب اقدام خواہد شد کہ نیز اگر کسی
وہبت نامتہ از متوفی دارد دوظرف مدت مزبور ابراز و الا ہر و ہبت
نامتہ غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجہ اعتبار ساقط
خواہد بود.

ولیس شیبہ ۴ دادگاہ بخش طہران - ۱ - ۲ - ۳ - ۴

ہمان دستہای مرہوز نبدانم بکوم بپہ عالی قام سرخ بر شہرستان
اسی سنز کشیدہ شد و در نامہ های رسمی ادارات دولتی ہم کلمتہ
شہرستان در باوصف متروک کردیدہ در این او شرمجد بدیخشانہ
دیگری قابل بر تبدیل بخش شہرستان بداروہ دارای شورسبہ
این ادارہ اکنون سنز و شہرستان میدانہ ولی سایر ادارات دولتی دیگر
بعلت آنکہ بھضنامہ یا نہای بلاغ متصرف را بخش میدانہ میگویند.
در این او از خورد کہ کسب چنانچہ کرامج بشر حال شہرستان
کہ گویا از طرف مقامات ارتشی چاپ و نشر شدہ است بر کلمتہ سنز
(قبضہ) اطلاق شدہ بود.

باز از اکتا صدمتہ بکنن دوز قدیم کہ اینجا وادیش؟
می خوانند کہ
باید منتظر بودکہ از بدل توجہ مقامات مسئول و جدیت
خود اہالی سنز ، ہما نظر بانوسی کزولی ہیبتگی از شہرستان
بشہر و از شہر بقصہ ؛ تبدیل شدہ و سیر قہرانی کردہ است کہ کم
از قصہ ہم با (فریہ) تبدیل شود.

شہر بہای عزیزم ؛
بنخواستار کسی بر سرانگشتن ... تعاد کس اندر چہان پشت من
امپبان داشتہ با یغیہ اینصورت است ؛ اگر شایہا کراتین
و ہیبود وضعیت خود نباشید کسی بکنر شما لیست وضعیت خود را
بی معافیہ و بیم بگوش اولیای امور برسانید و دولت از متوجہ
و ضمیمت خود سازید.

نامه ها و تلگرافات وارده

جناب آقای احمد حسین فعلوزارت
معلم کشاورزی

معلم مریض‌خانه عالی میرساند بطوریکه خاطر شریف مستحضراست بزشکیاران دامپرورشی در نتیجه تحصیلات تخصصی خود که علاوه بر معلومات علمی (با تحصیل در آموزشگاه دامپزشکی دارا) بودند قانون بزشکان مصوب مرداد ۳۱۸ هم مزایای برای آنان قائل گردید بدین معنی که بجای توقف چهار سال در هر پایه سه سال و حد اکثر ارتقاء بزشکیاران تا پایه ششم تعیین و تسویب گردید (در صورتیکه کارمند رسمی اداری طبق قانون مصوبه شهر پرور ۱۳۱۱ اگر دارای گواهینامه ابتدایی بوده از پایه دو بالا تر نرفته و اگر گواهی سبک اول داشته دو پایه چهار متوقف می‌شدند و برای ارتقاء از پایه ما دون به پایه بالا تر هم چاره‌ساز توقف می‌نمودند.

قانون پست تلگراف مصوبه ۳۲۲ قانون شهر پرور ۳۱۱ را تو و تمام کارمندان رسمی اداری را مشمول قانون استخدام کشوری ۲۹۹ قرار داد و این میان تمام کارمندان رسمی اداری خواهد اداری گواهی اداری و خواه دارای گواهی سبک اول باشد دهر پایه ۲ به توقف کرده و تا پایه ۹ حق تقاضای رتبه ای قانون دو سال است بوقع اجرا گذاشته شد و تمام کارمندان رسمی اداری از آن برخوردار هستند.

در برابر مزایای دولتی بزشکیاران که حتی دو ماده سوم قانون شکار و حه داده شده بود میزان حقوق پایه یک را که سیمه و بیست و نول برابر حقوق کارمندان اداری تعیین شده رفتند و سایر مزایای معروضه دو سال است که بزشکیاران دامپرورشی از کارمندان اداری عقب افتاده و هنوز اولیای امور توجیهی برایشان بزرگ باران دا بزشکی کشور شمرده اند و صورتیکه از چهارده ماه قبل مرتباً تمام کدو بزشکیاران مشمول تعدیم هر حال بوده و استه های جلب توجه اولیای امور را می‌نمایند.

از آنجائیکه مقام وزارت سوان مندی در وزارت کشاورزی داشته خاطر شریف حریت مستحضراست از اینرو در مقام تصدیق مقام منبع وزارت متوجه فراموشی استماعا دارد مصطف توجیهی بریزشکیاران کشور میبود فرموده مقرر فرمایند با گذرایین ماده واحده از مجلس اگر قائلان شش مزایای در برابر مزایای اولیه برای بزشکیاران معذور بقا شد اقلا با کارمندان رسمی اداری در یک ردیف قرار گرفته و مانند آنها استفاده نمایند.

پسایندگی هموز بزشکیاران دامپرورشی استان نهم - جیبی - شاکری - سوری - غازی - زاده - باباموسوی - قبادی عبو اولی - دوشمن - علی میلانی - قبادی - مهدی میلانی

آقای مدیر محترم روز نامه کوهستان

معلم پندرجات شماره ۲۷ - ۲۴/۸/۱۲ آن نام ملین در مورد سرت در کوهستان در نزدیکی همدان دستور تعین بگردان و زادناوری همدان منک مستنزل و از ناظر امری کردستان صادر گردید فرمائید از ناظر امری کل کشور - سر تیب خسرو پناه

۳۳۱

سید عبدالعجید مجد سجادی و کیل پایه یک

دادگستری

نشانی تلگرافی و پستی سنج سجادی - برای قبول کلیه مراجعات اداری و قضایی (امم از یکبیری و حقوقی) در تمام مراحل حاضر است.

برای خوانندگان سنج

دو طرف فاش و سوء استفاده هائیکه از آن شده و می‌شود اخباری میرسد که چون هنوز بطور کامل جمع آوری نشده مورد اقدام امم کوهستان قرار نگرفته است از گسائیکه در این موضوع اطلاعات موثقی دارند تقاضا می‌کنیم ما را مستحضردارند تا با بدست آوردن اطلاعات صحیح بتوانیم این موضوع را مورد تعین قرار دهیم.

خوانندگان ارجمند باید بدانه که هر اقامه در راه اصلاح اوضاع و رفع فساد ادارات میشود فقط برای رفاه عمومی است با ر این هر کسی در این اقدامات کمک می‌کند و اطلاعات درستی بنا بدهد بوظفه وجدانی خود عمل کرده است.

تشریح

خانواده آزادیبور از ضرات انبلیان مقام و ذوات محترمی که در وقت دوشیزه ناکام نخل المارک آزاد بور و بطور تسلیم سر از آن فرموده اند بسیار پاسگدار هستند.

جاس آزادیبور

از سنج

می‌کوند از غاه همدی نام ایاندار جای بخش کردستان چند عدل جای دودی گرفته شده و شخص نامبرده توفیق و تعین توست.

کوهستان - امیدواری این موضوع اقلا ماست مالی شود.

هر هفته بنام و آدرسی کلیه مشترکین روزنامه به پست داده می‌شود چون اداره روزنامه علاقه مند است که توزیع حقان و مردم و مرتب باشد از مشترکین محترم تقاضا میشود در صورتیکه روزنامه هایشان نامرتب رسید پاسداره روزنامه اطلاع دهند.

محل اداره: خیابان پهلوی روبروی کوچه
میرضخانه وزیری تلفن ۸۳۹۹

لیت - پیشاری - تالیف

از ستر

کل پیش کبیه مجلس کبیه آقای محیط کبیه کوهستان با اینکه ضمن تکرار ۸/۱۱ مراتب دادخواهی خود را مورد عدم بخت شکر و جای عطیه ماه رمضان شهرودم مهربان با موجود بودن شکر جای مکنی انبار سفر معروض دانست منافسه نتیجه معکوس منتهی و شکایت حه ما و سایرین بد بختی ایجاد کم توجیه اقتصادی سنج بیشتر از پیش بقوه متوجه ساخت زیرا دستور بخش سپیه معونه کارمندان ادارات سز اخیرا صادر اعطای شکر جای چهار ماهه اعالی و کارکنان منظور شخص تنظیم مداوم نیست تیرش کارمندان با سایر اهالی در این موضوع بیست معام می‌شود ملت ستمیده ستروا سا افراد ایرانی بطور ولی رسما از مزایای مقرراتی متنضم مراحم اولیای کشور است هر وقت تفهنگم تحصیلات مشاغل دولتی موقع ترحات دولت نادیده محسوب با هر مرتب اعالی ستر بدل حقوق امر عدم راجاز بخش سپیه معونه از آن نام ایام مهربان جانل طاعری تیش الله امین خادم مهربان جانل طاعری تیش الله جایزای قضایی ارجمندانه کیوان نوری عارفانی اسکندری عزیز نوری سید محمد رحیمی یوسف سید فرج الله خلیلی حسین اخوان شاهی برادران و توفیق - محمود سترالی.

از تیریز

اداره کل بخش جناب آقای احمد سرتیب آقای توحی و نوخت روزنامه کوهستان - بطور بل توجیه یاداش شد متفر گردیده سالیانه دو تن قند به پنده اعطا شود تا سال ۲۱ در بابت و از آن موقع محروم پس از تلاش و یادوی بی پایان تا اینکه بوجه ده ها تن قند و شکر به شتایین مختلف از انبار خارج میشود اقتصاد تیریز این عطیه را از پنده دریغ می‌دارد در اینوقت که حلات شدید زمستانی حیات پنده و یکشت طاله فلاکت بار در ولایت غربت تهدید و یگانه جان پناه فقط این عایت دولت است و اینک با زحمت اروان بالاخره انصاف تیریز بشماره ۸۶۰/۱۵ موافقت کرده استماعا داریم مقرر فرمائید حواله صادر شود.

ما هه گردیدیم کار خویش را نوبت از توشه بچنان ویش را سپرایی

از سنج

آقای حشری شن نامه از حسن مراتب تفرغ برودی آقای دکره اشخان و کیل اظهار تشکر نموده و از اینکه ایشان با یکمال دلوسوی و دوات از ایبران بنده ای بوده و از مساعدت و بیسنادی کرده خود داری نیکبختانه قدر دانی نموده اند.

